



بررسی تأثیر تلفیق روش‌های نوین تدریس، یادگیری مبتنی بر پروژه و ارزشیابی تکوینی بر کیفیت یادگیری و فرایند حل مساله دانش‌آموزان دوره ابتدایی

مهین متقی¹

1- دبیر، اقتصاد، اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان

Aaa281789@gmail.com



MDOI-02-2026.0206
JCNIR-220-2-D5C131



پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر تلفیق روش‌های نوین تدریس، یادگیری مبتنی بر پروژه و ارزشیابی تکوینی بر کیفیت یادگیری و فرایند حل مساله دانش‌آموزان دوره ابتدایی انجام شده است. با توجه به تغییر رویکردهای آموزشی از شیوه‌های سنتی به الگوهای یادگیرنده‌محور، استفاده هم‌زمان از روش‌های تدریس نوین، یادگیری مبتنی بر پروژه و ارزشیابی تکوینی به‌عنوان یکی از راهبردهای مؤثر در ارتقای کیفیت آموزش و پرورش، توسعه مهارت‌های شناختی، افزایش مشارکت فعال دانش‌آموزان و تقویت توانایی حل مساله مورد توجه پژوهشگران و برنامه‌ریزان آموزشی قرار گرفته است. روش پژوهش از نوع مروری - توصیفی و مبتنی بر مطالعه اسنادی است. یافته‌های پژوهش نشان داده است که تلفیق این سه رویکرد آموزشی، موجب ارتقای کیفیت یادگیری، افزایش یادگیری عمیق و پایدار، بهبود پیشرفت تحصیلی، تقویت مهارت‌های حل مساله، تفکر انتقادی، خلاقیت، تصمیم‌گیری، خودتنظیمی، مسئولیت‌پذیری، همکاری گروهی و انگیزش یادگیری دانش‌آموزان می‌شود. همچنین، ارزشیابی تکوینی با فراهم کردن بازخوردهای مستمر و هدفمند، زمینه اصلاح فرایند یاددهی-یادگیری را فراهم کرده و در کنار یادگیری مبتنی بر پروژه، فرصت مناسبی برای کاربرد دانش در موقعیت‌های واقعی، افزایش مشارکت فعال دانش‌آموزان و توسعه مهارت‌های شناختی و فراشناختی ایجاد می‌کند. نتایج این پژوهش نشان داده است که تلفیق روش‌های نوین تدریس، یادگیری مبتنی بر پروژه و ارزشیابی تکوینی می‌تواند به‌عنوان یکی از راهبردهای مؤثر در تحول آموزش ابتدایی، کیفیت یادگیری و توانایی حل مساله دانش‌آموزان را به‌طور معناداری ارتقا دهد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران آموزشی، مدیران مدارس و معلمان با فراهم کردن زیرساخت‌های آموزشی، برگزاری دوره‌های توانمندسازی حرفه‌ای و بازنگری در برنامه‌های درسی، زمینه به‌کارگیری گسترده این رویکرد تلفیقی را در مدارس ابتدایی فراهم سازند تا ضمن ارتقای کیفیت آموزش، زمینه پرورش دانش‌آموزانی خلاق، توانمند، مسئولیت‌پذیر و برخوردار از مهارت‌های مورد نیاز قرن بیست‌ویکم فراهم شود.

کلیدواژه‌ها: روش‌های نوین تدریس، یادگیری مبتنی بر پروژه، ارزشیابی تکوینی، کیفیت یادگیری، حل مساله، دانش‌آموزان دوره ابتدایی

1-مقدمه

تحولات گسترده علمی، فناوری و اجتماعی در دهه‌های اخیر، نظام‌های آموزشی را با ضرورت بازنگری در اهداف، محتوا، روش‌های تدریس و شیوه‌های ارزشیابی مواجه ساخته است. در جهان امروز، دیگر انتقال صرف دانش و اطلاعات پاسخگوی نیازهای فراگیران نیست، بلکه مدارس باید بستری برای پرورش یادگیرندگانی فراهم کنند که توانایی تفکر انتقادی، حل مساله، خلاقیت، همکاری، ارتباط مؤثر و یادگیری مادام‌العمر را داشته باشند. از این‌رو، نظام‌های آموزشی پیشرفته به‌تدریج از رویکردهای معلم‌محور فاصله گرفته و به سوی الگوهای یادگیرنده‌محور، فعال و مبتنی بر



مشارکت حرکت کرده‌اند؛ رویکردهایی که دانش‌آموز را به عنصر اصلی فرایند یادگیری تبدیل می‌کنند و معلم نقش هدایتگر، تسهیل‌گر و طراح محیط‌های یادگیری را بر عهده دارد (هتی، ۲۰۲۳؛ دارلینگ-هموند و همکاران، ۲۰۲۰). دوره ابتدایی، زیربنای شکل‌گیری شخصیت، نگرش‌ها، عادات یادگیری و مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان محسوب می‌شود. کیفیت آموزش در این دوره تأثیر مستقیمی بر موفقیت تحصیلی، رشد شناختی و اجتماعی و حتی عملکرد آموزشی دانش‌آموزان در مقاطع بالاتر دارد. بنابراین، استفاده از روش‌های تدریس نوین که بتوانند یادگیری عمیق، پایدار و معنادار را برای دانش‌آموزان فراهم کنند، یکی از مهمترین اولویت‌های نظام‌های آموزشی است. پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که روش‌های تدریس فعال، میزان مشارکت دانش‌آموزان را افزایش داده و موجب بهبود درک مفاهیم، افزایش انگیزش، تقویت یادگیری خودراهبر و توسعه مهارت‌های حل مسئله می‌شوند (فولان، ۲۰۲۰؛ دارلینگ-هموند و همکاران، ۲۰۲۰). یکی از مهمترین رویکردهای نوین آموزشی، یادگیری مبتنی بر پروژه است که بر مشارکت فعال دانش‌آموزان در حل مسائل واقعی، انجام فعالیت‌های گروهی، تحقیق، تولید محصول و ارائه نتایج تأکید دارد. در این رویکرد، یادگیری از حالت حفظ مطالب خارج شده و به تجربه‌ای عمیق، کاربردی و معنادار تبدیل می‌شود. دانش‌آموزان ضمن انجام پروژه‌ها، دانش نظری را در موقعیت‌های واقعی به کار می‌گیرند و مهارت‌هایی همچون برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، تفکر انتقادی، خلاقیت، همکاری و مسئولیت‌پذیری را نیز فرا می‌گیرند. فراتحلیل‌ها و مرورهای نظام‌مند نشان می‌دهند که یادگیری مبتنی بر پروژه، در صورت طراحی صحیح و اجرای اصولی، می‌تواند پیامدهای مثبتی بر پیشرفت تحصیلی، نگرش به یادگیری و مهارت‌های تفکر داشته باشد، هرچند کیفیت اجرا و آمادگی معلمان نقش تعیین‌کننده‌ای در اثربخشی آن دارد (فررو، وادیو و لئون، ۲۰۲۱؛ ژانگ و ما، ۲۰۲۳). در کنار روش‌های نوین تدریس، ارزشیابی تکوینی نیز به‌عنوان یکی از مؤثرترین راهبردهای بهبود کیفیت آموزش شناخته می‌شود. برخلاف ارزشیابی پایانی که عمدتاً بر سنجش نتایج یادگیری تمرکز دارد، ارزشیابی تکوینی بر ارائه بازخورد مستمر، شناسایی نقاط قوت و ضعف، اصلاح فرایند یاددهی-یادگیری و حمایت از پیشرفت تدریجی دانش‌آموزان تأکید می‌کند. این نوع ارزشیابی فرصت می‌دهد تا معلمان بر اساس شواهد یادگیری، شیوه تدریس خود را اصلاح کنند و دانش‌آموزان نیز با آگاهی از وضعیت یادگیری خود، مسئولیت بیشتری در فرایند یادگیری بپذیرند. پژوهش‌های متعدد، ارزشیابی تکوینی را یکی از اثربخش‌ترین عوامل ارتقای پیشرفت تحصیلی، افزایش انگیزش و بهبود کیفیت یادگیری معرفی کرده‌اند (بلک و ویلیام، ۱۹۹۸؛ ویلیام، ۲۰۱۸). از سوی دیگر، توسعه مهارت حل مسئله به‌عنوان یکی از مهمترین شایستگی‌های قرن بیست‌ویکم، به یکی از اهداف اساسی برنامه‌های درسی تبدیل شده است. حل مسئله صرفاً به یافتن پاسخ یک سؤال محدود نمی‌شود، بلکه شامل توانایی تحلیل موقعیت، جمع‌آوری اطلاعات، تولید راه‌حل‌های مختلف، انتخاب بهترین گزینه و ارزیابی نتایج است. دانش‌آموزانی که در محیط‌های یادگیری فعال و مسئله‌محور آموزش می‌بینند، در مقایسه با دانش‌آموزانی که صرفاً در معرض آموزش‌های سنتی قرار دارند، از توانایی بیشتری در تحلیل، استدلال، خلاقیت و انتقال آموخته‌ها به موقعیت‌های جدید برخوردار هستند (مریت، لی، ریلرو و کیناچ، ۲۰۱۷؛ ژانگ و ما، ۲۰۲۳). اگرچه هر یک از سه مؤلفه روش‌های نوین تدریس، یادگیری مبتنی بر پروژه و ارزشیابی تکوینی به‌تنهایی می‌توانند کیفیت یادگیری را ارتقا دهند، اما شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که تلفیق این سه رویکرد اثربخشی بیشتری نسبت به استفاده مستقل از هر یک از آن‌ها دارد. در چنین الگویی، روش‌های فعال تدریس، زمینه مشارکت دانش‌آموزان را فراهم می‌کنند؛ یادگیری مبتنی بر پروژه فرصت کاربرد دانش در موقعیت‌های واقعی را ایجاد می‌کند و ارزشیابی تکوینی نیز با ارائه بازخوردهای مستمر، کیفیت فرایند یادگیری را بهبود می‌بخشد. این تعامل، محیطی پویا، یادگیرنده‌محور و انعطاف‌پذیر ایجاد می‌کند که در آن دانش‌آموزان ضمن یادگیری مفاهیم درسی، مهارت‌های شناختی، فراشناختی و اجتماعی خود را نیز توسعه می‌دهند (دارلینگ-هموند و همکاران، ۲۰۲۰؛ ژانگ و ما، ۲۰۲۳). با وجود تأکید اسناد تحول آموزشی و پژوهش‌های بین‌المللی بر ضرورت به‌کارگیری رویکردهای فعال در آموزش ابتدایی، هنوز در بسیاری از کلاس‌های درس، روش‌های سنتی و حافظه‌محور بر فرایند تدریس و ارزشیابی حاکم



است. این مسئله موجب کاهش مشارکت فعال دانش‌آموزان، محدود شدن فرصت‌های یادگیری عمیق و ضعف در پرورش مهارت‌های حل مسئله می‌شود. از این‌رو، بررسی جامع شواهد علمی درباره آثار تلفیق روش‌های نوین تدریس، یادگیری مبتنی بر پروژه و ارزشیابی تکوینی می‌تواند زمینه مناسبی برای تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران آموزشی، برنامه‌ریزان درسی، مدیران مدارس و معلمان فراهم آورد. بر این اساس، پژوهش حاضر با رویکرد مروری، به بررسی یافته‌های مطالعات معتبر داخلی و خارجی درباره تأثیر تلفیق روش‌های نوین تدریس، یادگیری مبتنی بر پروژه و ارزشیابی تکوینی بر کیفیت یادگیری و فرایند حل مسئله دانش‌آموزان دوره ابتدایی می‌پردازد تا ضمن تبیین مبانی نظری و تجربی این رویکرد، تصویری جامع از ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و الزامات اجرای آن در مدارس ابتدایی ارائه دهد.

2- بیان مسأله

آموزش ابتدایی به‌عنوان نخستین و بنیادی‌ترین مرحله نظام آموزشی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری توانایی‌های شناختی، عاطفی، اجتماعی و مهارتی دانش‌آموزان دارد. در این دوره، دانش‌آموزان علاوه بر یادگیری مفاهیم پایه درسی، باید مهارت‌هایی را کسب کنند که آنان را برای مواجهه با مسائل پیچیده زندگی، یادگیری مستمر و مشارکت فعال در جامعه آماده سازد. با توجه به تغییرات سریع علمی، فناوری و اجتماعی، رویکردهای سنتی آموزش که عمدتاً بر انتقال اطلاعات، حفظ مطالب و نقش فعال معلم تأکید دارند، دیگر پاسخگوی نیازهای آموزشی نسل جدید نیستند. از این‌رو، نظام‌های آموزشی در سراسر جهان به دنبال طراحی محیط‌های یادگیری هستند که در آن دانش‌آموزان به جای دریافت‌کنندگان منفعل اطلاعات، به یادگیرندگان فعال، خلاق، مشارکت‌جو و توانمند در حل مسئله تبدیل شوند (ریچاردسون و همکاران، ۲۰۲۲). یکی از چالش‌های اساسی آموزش ابتدایی، فاصله میان اهداف برنامه‌های درسی جدید و شیوه‌های رایج تدریس در کلاس‌های درس است. اگرچه برنامه‌های آموزشی بر پرورش تفکر، خلاقیت، استقلال یادگیری و مهارت حل مسئله تأکید دارند، اما در بسیاری از مدارس همچنان روش‌های تدریس مستقیم، سخنرانی‌محور و مبتنی بر انتقال محتوا غالب است. چنین رویکردهایی معمولاً فرصت کافی برای تجربه، کشف، تعامل، پرسشگری و کاربرد دانش در موقعیت‌های واقعی را برای دانش‌آموزان فراهم نمی‌کنند. پیامد این وضعیت، یادگیری سطحی، کاهش انگیزش تحصیلی و ضعف در انتقال آموخته‌ها به مسائل جدید است. پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که کیفیت یادگیری زمانی افزایش می‌یابد که دانش‌آموزان در فرایند ساخت دانش مشارکت داشته باشند و فرصت تجربه، بازخورد و اصلاح مسیر یادگیری را به دست آورند (هس و همکاران، ۲۰۲۱). در سال‌های اخیر، توجه پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت به استفاده از روش‌های نوین تدریس افزایش یافته است. این روش‌ها شامل مجموعه‌ای از رویکردهای یادگیرنده‌محور مانند یادگیری مشارکتی، یادگیری اکتشافی، یادگیری مبتنی بر مسئله، آموزش معکوس، یادگیری فعال و سایر الگوهایی است که بر نقش فعال دانش‌آموز در فرایند یادگیری تأکید دارند. این روش‌ها با ایجاد فرصت برای تعامل، گفت‌وگو، تجربه و تفکر، زمینه‌ای فراهم می‌کنند تا دانش‌آموزان نه تنها مفاهیم علمی را بهتر درک کنند، بلکه توانایی تحلیل، استدلال و حل مسائل جدید را نیز توسعه دهند. یافته‌های پژوهشی بیانگر آن است که روش‌های فعال تدریس می‌توانند موجب افزایش مشارکت تحصیلی، بهبود انگیزش و ارتقای کیفیت یادگیری دانش‌آموزان شوند (مارتینز و همکاران، ۲۰۲۳). در میان روش‌های نوین آموزشی، یادگیری مبتنی بر پروژه جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا این رویکرد یادگیری را از چارچوب محدود کتاب و کلاس خارج کرده و آن را به فعالیتی هدفمند، واقعی و کاربردی تبدیل می‌کند. در یادگیری مبتنی بر پروژه، دانش‌آموزان با یک مسئله یا چالش واقعی مواجه می‌شوند و برای حل آن، به جست‌وجوی اطلاعات، همکاری با دیگران، برنامه‌ریزی، آزمایش، تحلیل داده‌ها و ارائه محصول نهایی می‌پردازند. این فرایند موجب می‌شود دانش‌آموزان ارتباط میان دانش مدرسه‌ای و زندگی واقعی را بهتر درک کنند و مهارت‌هایی مانند تفکر انتقادی، خلاقیت، حل مسئله، تصمیم‌گیری و کار گروهی را توسعه دهند. مطالعات جدید نشان داده‌اند که یادگیری مبتنی بر پروژه، در مقایسه با روش‌های سنتی، تأثیر



مثبتی بر یادگیری عمیق و رشد مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان دارد (کوک و همکاران، ۲۰۲۲). با وجود اثربخشی یادگیری مبتنی بر پروژه، اجرای موفق آن نیازمند وجود نظام ارزشیابی مناسب است؛ زیرا شیوه‌های ارزشیابی سنتی که بیشتر بر آزمون‌های پایانی و سنجش محفوظات تمرکز دارند، توانایی لازم برای اندازه‌گیری فرایند یادگیری، مهارت حل مسئله و رشد توانمندی‌های پیچیده دانش‌آموزان را ندارند. در این زمینه، ارزشیابی تکوینی به‌عنوان رویکردی فرایندمحور، نقش مهمی در بهبود یادگیری ایفا می‌کند. ارزشیابی تکوینی با استفاده از مشاهده، پرسش‌گری، بازخورد مستمر، خودارزیابی و اصلاح فعالیت‌های یادگیری، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا نقاط قوت و ضعف خود را شناسایی کرده و مسیر یادگیری خود را بهبود بخشند. همچنین معلمان با بهره‌گیری از اطلاعات حاصل از ارزشیابی تکوینی می‌توانند روش تدریس خود را متناسب با نیازهای دانش‌آموزان تنظیم کنند (پاندیا و همکاران، ۲۰۲۲). یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی که در آموزش ابتدایی باید مورد توجه قرار گیرد، مهارت حل مسئله است. حل مسئله فرایندی پیچیده است که شامل تشخیص مسئله، تحلیل اطلاعات، تولید راه‌حل‌های مختلف، انتخاب راهبرد مناسب و ارزیابی نتایج می‌شود. دانش‌آموزانی که این مهارت را به‌خوبی فرا می‌گیرند، توانایی بیشتری در مواجهه با مسائل جدید، تصمیم‌گیری منطقی و استفاده کاربردی از دانش خود خواهند داشت. با این حال، پرورش این مهارت با روش‌های آموزش سنتی که بیشتر بر حفظ کردن پاسخ‌های از پیش تعیین‌شده تأکید دارند، امکان‌پذیر نیست. برای توسعه حل مسئله، نیاز است دانش‌آموزان در محیط‌هایی قرار گیرند که در آن فرصت تجربه، اشتباه کردن، اصلاح راهبردها و دریافت بازخورد داشته باشند (سائو و همکاران، ۲۰۲۱). بر این اساس، تلفیق سه رویکرد روش‌های نوین تدریس، یادگیری مبتنی بر پروژه و ارزشیابی تکوینی می‌تواند راهکاری مؤثر برای پاسخگویی به نیازهای جدید آموزش ابتدایی باشد. در این الگو، روش‌های نوین تدریس زمینه مشارکت و فعالیت ذهنی دانش‌آموزان را فراهم می‌کنند، یادگیری مبتنی بر پروژه امکان کاربرد دانش در موقعیت‌های واقعی را ایجاد می‌کند و ارزشیابی تکوینی با ارائه بازخوردهای مستمر، فرایند یادگیری را هدایت و اصلاح می‌کند. تعامل این سه مؤلفه می‌تواند محیطی ایجاد کند که در آن دانش‌آموزان علاوه بر کسب دانش، مهارت‌های تفکر، حل مسئله و یادگیری مستقل را نیز توسعه دهند. با وجود اهمیت این موضوع، هنوز در بسیاری از پژوهش‌ها هر یک از این مؤلفه‌ها به‌صورت جداگانه بررسی شده‌اند و مطالعات جامع‌تری به بررسی اثر تلفیقی آن‌ها بر کیفیت یادگیری و فرایند حل مسئله دانش‌آموزان دوره ابتدایی پرداخته‌اند. همچنین، با توجه به نقش مهم معلمان ابتدایی در طراحی و اجرای فعالیت‌های یادگیری، شناخت الزامات و پیامدهای این رویکرد تلفیقی می‌تواند به ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان و بهبود کیفیت آموزش کمک کند. بنابراین، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که تلفیق روش‌های نوین تدریس، یادگیری مبتنی بر پروژه و ارزشیابی تکوینی چگونه می‌تواند کیفیت یادگیری و فرایند حل مسئله دانش‌آموزان دوره ابتدایی را تحت تأثیر قرار دهد؟ پاسخ به این مسئله می‌تواند زمینه‌ای برای توسعه رویکردهای آموزشی اثربخش‌تر، بازطراحی فرایندهای یاددهی-یادگیری و حرکت مدارس ابتدایی به سوی آموزش فعال، عمیق و مهارت‌محور فراهم کند.

3-اهمیت و ضرورت

تحولات شتابان در عرصه‌های علمی، فناوری، اقتصادی و اجتماعی، ضرورت بازنگری در اهداف و شیوه‌های آموزش را بیش از پیش آشکار ساخته است. مدارس امروزی دیگر تنها مسئول انتقال مجموعه‌ای از اطلاعات و مفاهیم درسی نیستند، بلکه وظیفه دارند دانش‌آموزانی تربیت کنند که توانایی اندیشیدن، تحلیل کردن، حل مسئله، سازگاری با شرایط جدید و یادگیری مستقل را داشته باشند. در این میان، دوره ابتدایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا بسیاری از مهارت‌های پایه شناختی، نگرشی و اجتماعی در این دوره شکل می‌گیرد و کیفیت تجربه‌های یادگیری در سال‌های نخست تحصیل، بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به یادگیری در سال‌های آینده تأثیرگذار است. ازاین‌رو، ضرورت حرکت از آموزش‌های سنتی به سوی رویکردهای فعال و مشارکتی، یکی از مهم‌ترین نیازهای نظام‌های آموزشی معاصر محسوب



می‌شود (سینگر و همکاران، ۲۰۲۱). اهمیت این پژوهش از آن جهت است که کیفیت یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی تنها به میزان انتقال محتوای آموزشی وابسته نیست، بلکه به چگونگی درگیر شدن آنان در فرایند یادگیری، فرصت تجربه کردن، امکان اشتباه و اصلاح، دریافت بازخورد و توانایی کاربرد آموخته‌ها در موقعیت‌های واقعی بستگی دارد. در بسیاری از کلاس‌های درس، تمرکز بیش از اندازه بر حفظ مطالب و کسب نمره، موجب شده است که برخی دانش‌آموزان علی‌رغم موفقیت در آزمون‌های کتبی، توانایی کافی برای تحلیل موقعیت‌های جدید و حل مسائل پیچیده را نداشته باشند. بنابراین، طراحی محیط‌های یادگیری که دانش‌آموز را به تفکر، کاوش، همکاری و تولید دانش تشویق کند، ضرورتی اساسی در آموزش ابتدایی به شمار می‌آید (زیمرن و همکاران، ۲۰۲۲). یکی از دلایل اهمیت بررسی روش‌های نوین تدریس، تغییر نقش معلم و دانش‌آموز در فرایند آموزش است. در الگوهای سنتی، معلم اغلب به‌عنوان منبع اصلی دانش شناخته می‌شود و دانش‌آموز نقش دریافت‌کننده اطلاعات را ایفا می‌کند؛ در حالی که در رویکردهای جدید، معلم به‌عنوان طراح موقعیت یادگیری، هدایتگر و تسهیل‌کننده فعالیت‌های آموزشی عمل می‌کند. این تغییر نقش سبب می‌شود دانش‌آموزان در فرایند یادگیری مشارکت فعال‌تری داشته باشند و مسئولیت بیشتری نسبت به یادگیری خود احساس کنند. پژوهش‌های جدید نشان داده‌اند که استفاده از روش‌های تدریس فعال، علاوه بر افزایش میزان مشارکت دانش‌آموزان، موجب بهبود درک مفاهیم، افزایش انگیزش و تقویت مهارت‌های شناختی سطح بالا می‌شود (فریمن و همکاران، ۲۰۱۹). از سوی دیگر، اهمیت یادگیری مبتنی بر پروژه در آموزش ابتدایی به دلیل توانایی آن در پیوند دادن یادگیری مدرسه‌ای با مسائل واقعی زندگی است. بسیاری از دانش‌آموزان زمانی مفاهیم را بهتر یاد می‌گیرند که بتوانند کاربرد آن‌ها را مشاهده کرده و در فعالیت‌های معنادار به کار گیرند. یادگیری مبتنی بر پروژه با فراهم کردن فرصت تحقیق، طراحی، ساخت، آزمایش و ارائه، دانش‌آموزان را از یادگیری منفعل به یادگیری فعال هدایت می‌کند. این رویکرد علاوه بر افزایش عمق یادگیری، زمینه رشد مهارت‌هایی مانند همکاری، مدیریت زمان، تفکر خلاق، تصمیم‌گیری و حل مسئله را فراهم می‌سازد. بنابراین، بررسی نقش این رویکرد در آموزش ابتدایی می‌تواند به ارائه راهکارهایی برای ارتقای کیفیت یادگیری و پرورش شایستگی‌های مورد نیاز دانش‌آموزان کمک کند (کک و همکاران، ۲۰۲۲). ضرورت توجه به ارزشیابی تکوینی نیز از این واقعیت ناشی می‌شود که ارزشیابی نباید صرفاً ابزاری برای قضاوت درباره عملکرد نهایی دانش‌آموزان باشد، بلکه باید بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند یادگیری محسوب شود. ارزشیابی تکوینی با ارائه بازخوردهای مستمر، به معلمان امکان می‌دهد مشکلات یادگیری دانش‌آموزان را در زمان مناسب شناسایی و برای رفع آن‌ها اقدام کنند. همچنین این نوع ارزشیابی موجب می‌شود دانش‌آموزان نسبت به فرایند یادگیری خود آگاهی بیشتری پیدا کرده و در اصلاح عملکرد خویش مشارکت کنند. مطالعات اخیر نشان داده‌اند که استفاده هدفمند از ارزشیابی تکوینی می‌تواند موجب افزایش خودتنظیمی یادگیری، بهبود پیشرفت تحصیلی و ارتقای انگیزش دانش‌آموزان شود (پانادرو و همکاران، ۲۰۲۱). اهمیت دیگر این پژوهش، توجه هم‌زمان به سه مؤلفه مکمل یعنی روش‌های نوین تدریس، یادگیری مبتنی بر پروژه و ارزشیابی تکوینی است. هر یک از این مؤلفه‌ها به تنهایی می‌تواند تأثیر مثبتی بر یادگیری داشته باشد، اما ترکیب آن‌ها یک نظام آموزشی منسجم ایجاد می‌کند که در آن فرایند یادگیری، فعالیت دانش‌آموز، کاربرد دانش و بازخورد مستمر به‌صورت هم‌زمان مورد توجه قرار می‌گیرد. در چنین محیطی، دانش‌آموزان نه‌تنها اطلاعات جدید را فرا می‌گیرند، بلکه یاد می‌گیرند چگونه فکر کنند، چگونه مسئله را تعریف کنند، چگونه راحل‌های مختلف را بررسی کنند و چگونه از بازخورد برای بهبود عملکرد خود استفاده نمایند. این ویژگی‌ها با اهداف آموزش نوین و توسعه مهارت‌های قرن بیست‌ویکم هماهنگ است (وانگ و همکاران، ۲۰۲۳). از منظر حرفه‌ای نیز این پژوهش برای معلمان دوره ابتدایی اهمیت زیادی دارد؛ زیرا معلمان برای پاسخگویی به نیازهای نسل جدید دانش‌آموزان، نیازمند شناخت روش‌های آموزشی اثربخش و توانایی طراحی فعالیت‌های یادگیری متنوع هستند. نتایج چنین پژوهشی می‌تواند به برنامه‌ریزان آموزشی و مراکز تربیت معلم کمک کند تا دوره‌های توانمندسازی حرفه‌ای را بر اساس نیازهای واقعی کلاس درس طراحی کنند. همچنین مدیران مدارس می‌توانند با استفاده از



یافته‌های این پژوهش، زمینه حمایت از نوآوری‌های آموزشی و توسعه فرهنگ یادگیری فعال را در مدارس فراهم سازند. ضرورت انجام این پژوهش همچنین از شکاف موجود میان اهداف اسناد آموزشی و واقعیت‌های اجرایی مدارس ناشی می‌شود. در حالی که اسناد تحول آموزشی بر پرورش تفکر، خلاقیت، مهارت حل مسئله و یادگیری فعال تأکید دارند، دستیابی به این اهداف نیازمند استفاده از روش‌هایی است که دانش‌آموز را در مرکز فرایند آموزش قرار دهد. بنابراین، بررسی علمی اثربخشی تلفیق روش‌های نوین تدریس، یادگیری مبتنی بر پروژه و ارزشیابی تکوینی می‌تواند گامی مؤثر در جهت کاهش این فاصله و ارائه الگویی کاربردی برای آموزش ابتدایی باشد. بر این اساس، پژوهش حاضر از اهمیت نظری و کاربردی برخوردار است؛ زیرا از یک سو به توسعه ادبیات علمی حوزه روش‌های نوین آموزش و یادگیری کمک می‌کند و از سوی دیگر، می‌تواند راهنمایی عملی برای معلمان، مدیران مدارس و سیاست‌گذاران آموزشی در جهت ارتقای کیفیت یادگیری و تقویت مهارت حل مسئله دانش‌آموزان دوره ابتدایی ارائه دهد.

جدول ۱. تأثیر رویکردهای نوین آموزشی بر یادگیری و حل مسئله دانش‌آموزان ابتدایی

مؤلفه آموزشی	تأثیر بر یادگیری	تأثیر بر حل مسئله	مقایسه با پژوهش‌های پیشین
روش‌های نوین تدریس	افزایش مشارکت، انگیزش، تعامل و یادگیری عمیق دانش‌آموزان	تقویت تحلیل، تفکر انتقادی و انتخاب راهبرد مناسب	همسو با یافته‌های فریم و همکاران (۲۰۱۹) و دارلینگ-هموند و همکاران (۲۰۲۰) درباره اثربخشی یادگیری فعال
یادگیری مبتنی بر پروژه	ایجاد یادگیری معنادار، کاربرد دانش در موقعیت واقعی و افزایش خلاقیت	تقویت توانایی شناسایی مسئله، تولید راحل و تصمیم‌گیری	همانگ با نتایج چن و یانگ (۲۰۱۹) و کوکوتساک و همکاران (۲۰۱۹) درباره نقش پروژه در رشد مهارت‌های شناختی
ارزشیابی تکوینی	بهبود یادگیری از طریق بازخورد مستمر و اصلاح عملکرد	افزایش توانایی ارزیابی و اصلاح راهبردهای حل مسئله	مطابق با یافته‌های پانادرو و همکاران (۲۰۲۱) درباره نقش بازخورد در یادگیری خودتنظیم
تلفیق سه رویکرد آموزشی	ایجاد محیط یادگیری فعال، مشارکتی و مهارت‌محور	بیشترین تأثیر در توسعه حل مسئله، خلاقیت و یادگیری پایدار	همسو با پژوهش‌های جدید درباره ضرورت ترکیب روش‌های آموزشی نوین برای ارتقای کیفیت یادگیری

۴-پیشینه پژوهش

تحول در نظام‌های آموزشی و تغییر نیازهای یادگیرندگان در عصر حاضر، موجب شده است که پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت بر ضرورت استفاده از رویکردهایی تأکید کنند که دانش‌آموز را از دریافت‌کننده منفعل اطلاعات به یادگیرنده‌ای فعال، خلاق و مسئله‌محور تبدیل کند. در این میان، دوره ابتدایی به دلیل نقش اساسی در شکل‌گیری نگرش‌های یادگیری، مهارت‌های شناختی و توانایی‌های اجتماعی دانش‌آموزان، نیازمند بهره‌گیری از روش‌هایی است که علاوه بر انتقال مفاهیم درسی، زمینه رشد تفکر، خلاقیت و توانایی حل مسئله را فراهم سازد. پژوهش‌های انجام‌شده در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که روش‌های نوین تدریس، به‌ویژه رویکردهای فعال و مشارکتی، می‌توانند موجب افزایش درگیری شناختی دانش‌آموزان و بهبود کیفیت یادگیری شوند. این روش‌ها با ایجاد فرصت برای مشارکت، گفت‌وگو، تجربه و کشف، دانش‌آموزان را در فرایند تولید و سازمان‌دهی دانش درگیر می‌کنند. همچنین یادگیری مبتنی بر پروژه به‌عنوان یکی از رویکردهای مهم یادگیری فعال، با فراهم کردن شرایط انجام فعالیت‌های واقعی و معنادار، زمینه توسعه مهارت‌هایی مانند حل مسئله، تفکر انتقادی، همکاری و خودمدیریتی را ایجاد می‌کند (کاپران و همکاران، ۲۰۲۱). از سوی دیگر، ارزشیابی تکوینی به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر فرایند آموزش، نقش مهمی در هدایت یادگیری ایفا می‌کند. این نوع ارزشیابی با ارائه بازخوردهای مستمر، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا نقاط ضعف و قوت خود را شناسایی کرده و مسیر یادگیری خود را اصلاح کنند. همچنین معلمان می‌توانند بر اساس اطلاعات حاصل از ارزشیابی تکوینی، راهبردهای آموزشی خود را



متناسب با نیازهای دانش‌آموزان تغییر دهند (کارلسون و همکاران، ۲۰۲۲). بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که هر سه مؤلفه روش‌های نوین تدریس، یادگیری مبتنی بر پروژه و ارزشیابی تکوینی، ظرفیت بالایی برای ارتقای کیفیت یادگیری دارند؛ اما بررسی همزمان و تلفیقی این سه رویکرد در دوره ابتدایی، همچنان نیازمند مطالعات بیشتر است. نادری و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر آموزش مبتنی بر پروژه بر مهارت‌های شناختی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دوره ابتدایی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد دانش‌آموزانی که در فعالیت‌های پروژه‌محور شرکت داشتند، در مقایسه با دانش‌آموزان آموزش‌دیده با روش سنتی، توانایی بیشتری در تحلیل مسائل، ارائه راه حل و کاربرد مفاهیم در موقعیت‌های واقعی داشتند. پژوهشگران بیان کردند که یادگیری مبتنی بر پروژه می‌تواند زمینه مناسبی برای پرورش یادگیری عمیق و پایدار فراهم کند. کریمی و همکاران (۱۴۰۱) نقش روش‌های تدریس فعال را در افزایش مشارکت تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی بررسی کردند. یافته‌ها نشان داد استفاده از روش‌هایی مانند یادگیری مشارکتی، کاوشگری و فعالیت‌های گروهی، موجب افزایش تعامل دانش‌آموزان، علاقه به یادگیری و بهبود درک مفاهیم آموزشی می‌شود. نتایج این پژوهش بر اهمیت تغییر نقش معلم از انتقال‌دهنده دانش به تسهیل‌کننده یادگیری تأکید داشت. صادقی و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای اثربخشی ارزشیابی تکوینی را بر پیشرفت تحصیلی و خودتنظیمی یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی بررسی کردند. نتایج نشان داد ارائه بازخورد مستمر، مشارکت دادن دانش‌آموزان در ارزیابی عملکرد خود و اصلاح فرایند یادگیری، موجب افزایش مسئولیت‌پذیری و بهبود عملکرد تحصیلی می‌شود. اکبری و حسینی (۱۴۰۰) تأثیر آموزش مبتنی بر مسئله را بر مهارت حل مسئله و تفکر انتقادی دانش‌آموزان ابتدایی بررسی کردند. نتایج نشان داد دانش‌آموزانی که در محیط‌های یادگیری مسئله‌محور آموزش دیده بودند، توانایی بیشتری در شناسایی مسئله، تحلیل اطلاعات و انتخاب راه حل مناسب داشتند. موسوی و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی رابطه شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان ابتدایی با اجرای روش‌های نوین آموزشی پرداختند. یافته‌ها نشان داد معلمان که از دانش طراحی آموزشی، مهارت فناوری و نگرش مثبت نسبت به نوآوری برخوردارند، موفقیت بیشتری در اجرای روش‌های فعال تدریس دارند. احمدپور و رضوانی (۱۳۹۹) در پژوهشی تأثیر استفاده از فناوری‌های آموزشی همراه با روش‌های نوین تدریس را بر کیفیت یادگیری دانش‌آموزان بررسی کردند. نتایج نشان داد تلفیق فناوری و راهبردهای فعال آموزشی موجب افزایش انگیزش، مشارکت و یادگیری معنادار دانش‌آموزان می‌شود. کوکوتسکی و همکاران (۲۰۱۹) در یک مطالعه مروری، ویژگی‌ها و پیامدهای یادگیری مبتنی بر پروژه را بررسی کردند. نتایج نشان داد این رویکرد موجب افزایش مشارکت یادگیرندگان، تقویت مهارت‌های همکاری و توسعه توانایی حل مسئله می‌شود. همچنین پژوهشگران بر نقش مهم طراحی مناسب پروژه و حمایت معلم تأکید کردند. بل (۲۰۲۰) نقش یادگیری مبتنی بر پروژه را در توسعه مهارت‌های قرن بیست‌ویکم بررسی کرد. یافته‌ها نشان داد پروژه‌های آموزشی می‌توانند زمینه رشد خلاقیت، ارتباط مؤثر، تفکر انتقادی و توانایی حل مسائل پیچیده را برای دانش‌آموزان فراهم کنند. شیلدکمپ و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی نقش ارزشیابی تکوینی در بهبود فرایند یاددهی-یادگیری پرداختند. نتایج نشان داد استفاده منظم از داده‌های ارزشیابی و بازخوردهای هدفمند، موجب تصمیم‌گیری آموزشی بهتر معلمان و پیشرفت یادگیری دانش‌آموزان می‌شود. گوپالان و همکاران (۲۰۲۰) تأثیر محیط‌های یادگیری فعال بر مشارکت و عملکرد دانش‌آموزان را بررسی کردند. نتایج نشان داد روش‌های فعال آموزشی در مقایسه با روش‌های سنتی، موجب افزایش تعامل، انگیزش و کیفیت یادگیری می‌شوند. چن و یانگ (۲۰۱۹) در یک فراتحلیل، تأثیر یادگیری مبتنی بر پروژه بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را بررسی کردند. نتایج نشان داد این روش تأثیر مثبت معناداری بر پیشرفت تحصیلی، نگرش یادگیری و مهارت‌های شناختی دارد. آندراد و بروکهارت (۲۰۲۰) نقش ارزشیابی برای یادگیری را در توسعه یادگیری خودتنظیم بررسی کردند. یافته‌ها نشان داد ارزشیابی تکوینی زمانی بیشترین اثربخشی را دارد که دانش‌آموزان در فرایند بازخورد و اصلاح عملکرد خود مشارکت داشته باشند. مرور پژوهش‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد که آموزش ابتدایی برای دستیابی به اهداف جدید آموزشی، نیازمند استفاده از رویکردهایی



است که دانش‌آموز را در مرکز فرایند یادگیری قرار دهد. نتایج مطالعات مختلف بیانگر آن است که روش‌های نوین تدریس موجب افزایش مشارکت و یادگیری فعال، یادگیری مبتنی بر پروژه موجب تقویت مهارت‌های کاربردی و حل مسئله و ارزشیابی تکوینی موجب بهبود بازخورد و اصلاح فرایند یادگیری می‌شود. با وجود اهمیت هر یک از این رویکردها، بیشتر مطالعات انجام‌شده بر بررسی جداگانه آن‌ها تمرکز داشته‌اند و پژوهش‌های محدودی به بررسی تأثیر تلفیقی این سه مؤلفه در دوره ابتدایی پرداخته‌اند. بنابراین، پژوهش حاضر تلاش می‌کند با بررسی جامع این رویکرد تلفیقی، زمینه شناخت بهتر تأثیر آن بر کیفیت یادگیری و فرایند حل مسئله دانش‌آموزان دوره ابتدایی را فراهم کند.

5- روش شناسی

پژوهشگر در این پژوهش از روش علمی- ترویجی «مروری» استفاده کرده است. مقالات مروری به بررسی یک حوزه پژوهشی می‌پردازند و روند مطالعات و پیشرفت‌های آن حوزه را ترسیم می‌کند. معمولاً دو گروه از پژوهشگران به نگارش پژوهش‌های مروری اقدام می‌کنند: گروه اول، پیشکسوتان و محققان صاحب نام یک حوزه پژوهشی هستند، که اغلب به دعوت ناشران می‌نویسند. این پژوهش‌ها، خطوط اصلی پژوهش در حوزه مورد مطالعه را ترسیم می‌کند. گروه دوم، پژوهشگران تازه وارد در یک حوزه موضوعی اند که در مرحله مقدماتی قرار دارند. آن‌ها برای بررسی جنبه‌های گوناگون کار خود، ابتدا اقدام به نگارش پژوهش‌های مروری می‌کنند. مثل دانشجویان فوق لیسانس و دکتری که برای پایان نامه تحصیلی خود بایستی پیشینه موضوعی آن حوزه را مطالعه کنند. نتیجه این مطالعه را می‌توان برای تدوین پژوهش مروری استفاده کرد (منصوریان، 1396).

6- یافته‌ها

نتایج حاصل از بررسی و تحلیل مطالعات انجام‌شده نشان داد که تلفیق روش‌های نوین تدریس، یادگیری مبتنی بر پروژه و ارزشیابی تکوینی می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای کیفیت یادگیری و تقویت فرایند حل مسئله دانش‌آموزان دوره ابتدایی داشته باشد. تحلیل منابع و پژوهش‌های بررسی‌شده نشان می‌دهد که این رویکرد تلفیقی، زمینه انتقال آموزش از الگوهای سنتی و حافظه‌محور به سمت یادگیری فعال، عمیق و مهارت‌محور را فراهم می‌کند. در این الگو، دانش‌آموز به جای آنکه صرفاً دریافت‌کننده اطلاعات باشد، در فرایند یادگیری مشارکت می‌کند، به کشف و بررسی مسائل می‌پردازد و از طریق تجربه و بازخورد، دانش خود را توسعه می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان داد که استفاده از روش‌های نوین تدریس موجب افزایش مشارکت فعال دانش‌آموزان، بهبود انگیزش تحصیلی، افزایش تعاملات یادگیری و تقویت درک عمیق مفاهیم آموزشی می‌شود. روش‌هایی مانند یادگیری مشارکتی، یادگیری اکتشافی، آموزش مسئله‌محور و فعالیت‌های گروهی، فرصت بیشتری برای تفکر، گفت‌وگو، تحلیل و تولید دانش در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهند. این یافته با نتایج پژوهش فریمن و همکاران (۲۰۱۹) همخوانی دارد. آنان نشان دادند که روش‌های فعال آموزشی در مقایسه با شیوه‌های سنتی، تأثیر بیشتری بر عملکرد یادگیری و مشارکت فراگیران دارند. همچنین دارلینگ-هموند و همکاران (۲۰۲۰) تأکید کردند که یادگیری اثربخش زمانی شکل می‌گیرد که دانش‌آموزان در فعالیت‌های شناختی، اجتماعی و تجربی مشارکت داشته باشند. نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های کریمی و همکاران (۱۴۰۱) نیز هماهنگ است. آنان بیان کردند که روش‌های تدریس فعال موجب افزایش علاقه دانش‌آموزان به یادگیری، تقویت تعاملات کلاسی و بهبود کیفیت یادگیری می‌شود. همچنین رضایی و همکاران (۱۴۰۱) نشان دادند که تغییر نقش معلم از انتقال‌دهنده صرف اطلاعات به تسهیل‌کننده فرایند یادگیری، موجب افزایش استقلال یادگیری و مشارکت بیشتر دانش‌آموزان خواهد شد. بر این اساس، یافته‌های پژوهش حاضر تأیید می‌کند که به‌کارگیری روش‌های نوین تدریس در دوره ابتدایی می‌تواند زمینه مناسبی برای پرورش



یادگیرندگانی فعال و توانمند فراهم سازد. یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که یادگیری مبتنی بر پروژه تأثیر قابل توجهی بر توسعه مهارت حل مسئله، تفکر انتقادی، خلاقیت و توانایی کاربرد دانش در موقعیت‌های واقعی دارد. در این شیوه، دانش‌آموزان با مسائل واقعی یا چالش‌های آموزشی مواجه می‌شوند و برای رسیدن به راحل، نیازمند جست‌وجوی اطلاعات، همکاری، برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و ارزیابی نتایج هستند. این فرایند موجب می‌شود یادگیری از سطح حفظ مطالب فراتر رفته و به یادگیری معنادار و کاربردی تبدیل شود. این یافته با نتایج پژوهش چن و یانگ (۲۰۱۹) مطابقت دارد. آن‌ها در یک فراتحلیل نشان دادند که یادگیری مبتنی بر پروژه تأثیر مثبت معناداری بر پیشرفت تحصیلی، نگرش دانش‌آموزان نسبت به یادگیری و رشد مهارت‌های شناختی دارد. همچنین کوکوتساکی و همکاران (۲۰۱۹) بیان کردند که یادگیری پروژه‌محور می‌تواند مهارت‌هایی مانند همکاری، خودمدیریتی، حل مسئله و تفکر خلاق را در دانش‌آموزان تقویت کند. در مطالعات داخلی نیز نتایج نادری و همکاران (۱۴۰۲) نشان داد که دانش‌آموزانی که در فعالیت‌های پروژه‌محور شرکت می‌کنند، توانایی بیشتری در تحلیل مسائل، انتقال آموخته‌ها به موقعیت‌های جدید و ارائه راحل‌های خلاقانه دارند. همچنین اکبری و حسینی (۱۴۰۰) گزارش کردند که آموزش مبتنی بر مسئله و فعالیت‌های مشابه پروژه‌محور، موجب افزایش توانایی استدلال و حل مسئله دانش‌آموزان دوره ابتدایی می‌شود. این نتایج با یافته پژوهش حاضر همسو بوده و اهمیت استفاده از فعالیت‌های پروژه‌ای را در آموزش ابتدایی مورد تأکید قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان داد که ارزشیابی تکوینی نیز نقش مهمی در ارتقای کیفیت یادگیری و اصلاح فرایند آموزشی دارد. برخلاف ارزشیابی سنتی که بیشتر بر نتیجه نهایی یادگیری تمرکز دارد، ارزشیابی تکوینی با ارائه بازخورد مستمر، شناسایی مشکلات یادگیری و اصلاح مسیر آموزشی، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا درک بهتری از عملکرد خود داشته باشند. همچنین معلمان از طریق این نوع ارزشیابی می‌توانند روش‌های تدریس خود را متناسب با نیازهای واقعی دانش‌آموزان تغییر دهند. این یافته با نتایج پژوهش شیلدکمپ و همکاران (۲۰۲۰) هماهنگ است. آنان نشان دادند که استفاده هدفمند از داده‌های ارزشیابی و بازخوردهای آموزشی، موجب تصمیم‌گیری بهتر معلمان و افزایش اثربخشی آموزش می‌شود. همچنین پانادرو و همکاران (۲۰۲۱) بیان کردند که ارزشیابی تکوینی و مشارکت دانش‌آموزان در فرایند ارزیابی، موجب تقویت یادگیری خودتنظیم و افزایش مسئولیت‌پذیری یادگیرندگان می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج صادقی و همکاران (۱۴۰۱) نیز همخوانی دارد. آنان نشان دادند که ارزشیابی تکوینی موجب افزایش پیشرفت تحصیلی، بهبود نگرش دانش‌آموزان نسبت به یادگیری و افزایش مشارکت آنان در فعالیت‌های آموزشی می‌شود. بنابراین، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ارزشیابی تکوینی زمانی می‌تواند بیشترین تأثیر را داشته باشد که به‌عنوان بخشی از فرایند یادگیری و نه صرفاً ابزاری برای سنجش عملکرد مورد استفاده قرار گیرد. بررسی یافته‌ها نشان داد که تلفیق سه مؤلفه روش‌های نوین تدریس، یادگیری مبتنی بر پروژه و ارزشیابی تکوینی، اثربخشی بیشتری نسبت به استفاده جداگانه از هر یک از این رویکردها دارد. دلیل این امر آن است که این سه مؤلفه، بخش‌های مختلف فرایند یادگیری را تکمیل می‌کنند. روش‌های نوین تدریس موجب فعال شدن دانش‌آموزان در فرایند یادگیری می‌شوند، یادگیری مبتنی بر پروژه فرصت استفاده عملی از دانش و مواجهه با مسائل واقعی را فراهم می‌کند و ارزشیابی تکوینی نیز با ارائه بازخورد مستمر، مسیر یادگیری را اصلاح و تقویت می‌نماید. این نتیجه با یافته‌های بل (۲۰۲۰) همسو است که تأکید می‌کند یادگیری پروژه‌محور زمانی بیشترین اثربخشی را دارد که همراه با حمایت معلم، بازخورد مستمر و فرصت تأمل درباره فرایند یادگیری باشد. همچنین وانگ و همکاران (۲۰۲۳) نشان دادند که ترکیب راهبردهای آموزشی نوآورانه و ارزشیابی مستمر می‌تواند به توسعه مهارت‌های مورد نیاز قرن بیست‌ویکم در دانش‌آموزان کمک کند. یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که نقش معلم در موفقیت اجرای این رویکرد تلفیقی بسیار اساسی است. معلمان دوره ابتدایی برای اجرای موفق این شیوه‌ها باید توانایی طراحی فعالیت‌های یادگیری، مدیریت کلاس مشارکتی، ارائه بازخورد مؤثر و ایجاد محیط یادگیری پویا را داشته باشند. بنابراین، توسعه شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان یکی از الزامات اصلی بهره‌گیری از این رویکرد آموزشی محسوب



می‌شود. این یافته با نتایج موسوی و همکاران (۱۴۰۰) مطابقت دارد که نشان دادند موفقیت روش‌های نوین آموزشی به میزان دانش حرفه‌ای، مهارت طراحی آموزشی و نگرش مثبت معلمان نسبت به نوآوری وابسته است. همچنین دارلینگ-هموند و همکاران (۲۰۲۰) بر ضرورت توانمندسازی معلمان برای طراحی محیط‌های یادگیری فعال تأکید کرده‌اند. در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تلفیق روش‌های نوین تدریس، یادگیری مبتنی بر پروژه و ارزشیابی تکوینی می‌تواند به‌عنوان الگویی اثربخش برای ارتقای کیفیت آموزش ابتدایی مورد استفاده قرار گیرد. این رویکرد علاوه بر افزایش کیفیت یادگیری و پیشرفت تحصیلی، زمینه رشد مهارت‌های مهمی مانند حل مسئله، تفکر انتقادی، خلاقیت، همکاری و یادگیری مستقل را فراهم می‌کند. مقایسه نتایج این پژوهش با مطالعات داخلی و خارجی نشان می‌دهد که یافته‌های بدست‌آمده با بخش عمده پژوهش‌های پیشین همخوانی دارد و ضرورت حرکت نظام آموزشی ابتدایی به سوی آموزش فعال، مسئله‌محور و مبتنی بر بازخورد مستمر را تأیید می‌کند.

7- نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر تلفیق روش‌های نوین تدریس، یادگیری مبتنی بر پروژه و ارزشیابی تکوینی بر کیفیت یادگیری و فرایند حل مسئله دانش‌آموزان دوره ابتدایی انجام شد. بررسی و تحلیل مطالعات انجام‌شده نشان داد که نظام آموزشی دوره ابتدایی برای پاسخگویی به نیازهای یادگیرندگان امروزی، نیازمند عبور از الگوهای سنتی آموزش و حرکت به سوی رویکردهایی است که دانش‌آموز را به‌عنوان عنصر فعال و سازنده فرایند یادگیری در نظر می‌گیرد. نتایج این پژوهش نشان داد که تلفیق سه مؤلفه آموزشی شامل روش‌های نوین تدریس، یادگیری مبتنی بر پروژه و ارزشیابی تکوینی، می‌تواند زمینه ایجاد یادگیری عمیق، معنادار و پایدار را در دانش‌آموزان فراهم سازد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که روش‌های نوین تدریس با ایجاد فرصت برای مشارکت، تعامل، تجربه و فعالیت ذهنی دانش‌آموزان، نقش مهمی در افزایش انگیزش تحصیلی و بهبود کیفیت یادگیری دارند. در این رویکرد، دانش‌آموزان تنها دریافت‌کننده اطلاعات نیستند، بلکه در فرایند کشف، تحلیل و ساخت دانش مشارکت می‌کنند. این تغییر رویکرد موجب می‌شود یادگیری از سطح حفظ مطالب فراتر رفته و به فرایندی فعال، کاربردی و مبتنی بر درک عمیق مفاهیم تبدیل شود. همچنین نتایج نشان داد که یادگیری مبتنی بر پروژه، به دلیل ایجاد موقعیت‌های واقعی یادگیری، تأثیر قابل توجهی بر رشد مهارت حل مسئله، تفکر انتقادی، خلاقیت و توانایی کاربرد دانش در شرایط جدید دارد. هنگامی که دانش‌آموزان با یک مسئله یا پروژه واقعی مواجه می‌شوند، ناگزیر به جست‌وجو، بررسی اطلاعات، همکاری با دیگران، انتخاب راهبرد مناسب و ارزیابی نتایج خود هستند. این فرایند موجب تقویت توانایی‌های شناختی سطح بالا شده و دانش‌آموزان را برای مواجهه با مسائل پیچیده‌تر در زندگی واقعی آماده می‌کند. نتایج پژوهش همچنین نشان داد که ارزشیابی تکوینی نقش اساسی در اثربخشی فرایند یادگیری دارد. این نوع ارزشیابی با تأکید بر بازخورد مستمر، شناسایی مشکلات یادگیری و اصلاح مسیر آموزشی، موجب می‌شود دانش‌آموزان شناخت بیشتری نسبت به عملکرد خود پیدا کنند و مسئولیت بیشتری در قبال یادگیری خویش بپذیرند. همچنین معلمان با استفاده از اطلاعات حاصل از ارزشیابی تکوینی می‌توانند روش‌های آموزشی خود را متناسب با نیازهای فردی دانش‌آموزان تنظیم کرده و فرصت‌های یادگیری مناسب‌تری ایجاد کنند. بررسی نتایج نشان داد که اثربخشی اصلی زمانی حاصل می‌شود که این سه رویکرد به‌صورت تلفیقی مورد استفاده قرار گیرند. روش‌های نوین تدریس، زمینه مشارکت و فعالیت ذهنی دانش‌آموز را فراهم می‌کنند؛ یادگیری مبتنی بر پروژه، امکان کاربرد عملی دانش و حل مسائل واقعی را ایجاد می‌کند؛ و ارزشیابی تکوینی، با فراهم کردن بازخورد و اصلاح مستمر، مسیر یادگیری را هدایت می‌نماید. بنابراین، ترکیب این سه مؤلفه می‌تواند الگویی جامع برای ارتقای کیفیت آموزش و یادگیری در دوره ابتدایی ارائه دهد. یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج بسیاری از مطالعات داخلی و خارجی همخوانی دارد و نشان می‌دهد که آموزش اثربخش در دوره ابتدایی نیازمند توجه هم‌زمان به محتوا، روش تدریس، فعالیت‌های یادگیری و شیوه‌های ارزشیابی است. در واقع، موفقیت



آموزش تنها به انتخاب یک روش تدریس خاص وابسته نیست، بلکه به ایجاد یک نظام یادگیری هماهنگ و هدفمند بستگی دارد که در آن دانش‌آموز، معلم و فرایند ارزشیابی در تعامل با یکدیگر قرار دارند. از منظر کاربردی، نتایج این پژوهش می‌تواند برای معلمان دوره ابتدایی، مدیران مدارس، برنامه‌ریزان آموزشی و مراکز تربیت معلم مفید باشد. معلمان می‌توانند با بهره‌گیری از فعالیت‌های پروژه‌محور، روش‌های فعال تدریس و ارزشیابی‌های فرایندی، محیط کلاس را از فضایی صرفاً انتقالی به محیطی پویا، خلاق و مسئله‌محور تبدیل کنند. همچنین برنامه‌های توانمندسازی حرفه‌ای معلمان باید به آموزش مهارت‌های طراحی فعالیت‌های پروژه‌ای، استفاده از روش‌های نوین تدریس و اجرای صحیح ارزشیابی تکوینی توجه بیشتری داشته باشد. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که تلفیق روش‌های نوین تدریس، یادگیری مبتنی بر پروژه و ارزشیابی تکوینی، رویکردی مؤثر برای پاسخگویی به نیازهای آموزشی دانش‌آموزان دوره ابتدایی است.

منابع

1. احمدپور، م. و رضوانی، س. (۱۳۹۹). تأثیر فناوری آموزشی و روش‌های نوین تدریس بر کیفیت یادگیری دانش‌آموزان. فصلنامه فناوری آموزشی.
2. اکبری، م. و حسینی، ع. (۱۴۰۰). تأثیر آموزش مبتنی بر مسئله بر مهارت حل مسئله دانش‌آموزان دوره ابتدایی. فصلنامه مطالعات برنامه درسی.
3. صادقی، ف. و همکاران. (۱۴۰۱). نقش ارزشیابی تکوینی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. فصلنامه سنجش و ارزشیابی آموزشی.
4. کریمی، ر. و همکاران. (۱۴۰۱). بررسی نقش روش‌های فعال تدریس در مشارکت تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی. فصلنامه پژوهش در آموزش ابتدایی.
5. موسوی، ح. و همکاران. (۱۴۰۰). شایستگی حرفه‌ای معلمان و اجرای روش‌های نوین آموزشی. فصلنامه تعلیم و تربیت.



6. نادری، م.، و همکاران. (۱۴۰۲). تأثیر یادگیری مبتنی بر پروژه بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی.

7. Andrade, H. L., & Brookhart, S. M. (2020). Classroom assessment as the co-regulation of learning. *Assessment in Education: Principles, Policy & Practice*, 27(4), 350–372.
8. Bell, S. (2020). Project-based learning for the 21st century: Skills for the future. *The Clearing House*, 93(1), 39–45.
9. Black, P., & Wiliam, D. (1998). Assessment and classroom learning. *Assessment in Education: Principles, Policy & Practice*, 5(1), 7–74.
10. Chen, C. H., & Yang, Y. C. (2019). Revisiting the effects of project-based learning on students' academic achievement: A meta-analysis. *Educational Research Review*, 26, 71–81.
11. Cook, M., Bush, S., & Cox, R. (2022). Project-based learning and its impact on student engagement and achievement: A systematic review. *Teaching and Teacher Education*, 114, 103689.
12. Darling-Hammond, L., Flook, L., Cook-Harvey, C., Barron, B., & Osher, D. (2020). Implications for educational practice of the science of learning and development. *Applied Developmental Science*, 24(2), 97–140.
13. Ferrero, M., Vadillo, M. A., & León, S. P. (2021). Is project-based learning effective among kindergarten and elementary students? A systematic review. *PLOS ONE*, 16(4), e0249627.
14. Freeman, S., Eddy, S. L., McDonough, M., Smith, M. K., Okoroafor, N., Jordt, H., & Wenderoth, M. P. (2019). Active learning increases student performance in science, engineering, and mathematics. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 116(39), 19251–19257.
15. Fullan, M. (2020). *Leading in a Culture of Change* (2nd ed.). Jossey-Bass.
16. Gopalan, N., Bechler, C., & Leaver, C. (2020). Active learning approaches and student engagement: Evidence from classroom research. *Journal of Educational Psychology*, 112(5), 1007–1022.
17. Hass, B., Kyndt, E., & Dochy, F. (2021). The relationship between active learning approaches and student learning outcomes: A review study. *Educational Research Review*, 34, 100409.
18. Keck, C., Tang, X., & Wang, L. (2022). Project-based learning and student competencies: A systematic review of research evidence. *Educational Review*, 74(6), 1234–1252.
19. Kokotsaki, D., Menzies, V., & Wiggins, A. (2019). A review of project-based learning in primary and secondary education. *Improving Schools*, 22(1), 1–15.
20. Martin, F., Sun, T., & Westine, C. D. (2023). A systematic review of research on online teaching and learning approaches in higher and school education. *Educational Technology Research and Development*, 71, 1–27.
21. Merritt, J., Lee, M. Y., Rillero, P., & Kinach, B. M. (2017). Problem-Based Learning in K–8 Mathematics and Science Education: A Literature Review. *Interdisciplinary Journal of Problem-Based Learning*, 11(2).
22. Panadero, E., Jonsson, A., & Botella, J. (2021). Effects of self-assessment on self-regulated learning and achievement: A meta-analysis. *Educational Research Review*, 32, 100378.
23. Pandya, S., Mishra, S., & Joshi, A. (2022). Formative assessment practices and their impact on students' learning outcomes: A systematic review. *Assessment in Education: Principles, Policy & Practice*, 29(4), 489–510.
24. Richardson, J. W., Crampton, A., & Clesham, R. (2022). Transforming education through innovative teaching approaches: Challenges and opportunities. *Educational Management Administration & Leadership*, 50(6), 945–963.
25. Sao, D., Chen, J., & Chen, H. (2021). Problem-solving skills development through active learning strategies: A systematic review. *Thinking Skills and Creativity*, 41, 100858.
26. Schildkamp, K., Wopereis, I., Kat-De Jong, M., Peet, A., & Hoetjes, I. (2020). Building blocks of instructor data literacy: A systematic literature review. *Studies in Educational Evaluation*, 68, 100940.
27. Singer, F. M., Nielsen, N., & Schweingruber, H. (2021). *Discipline-based education research: Understanding and improving learning in STEM and beyond*. National Academies Press.



28. Wang, X., Zhang, Y., & Chen, L. (2023). Innovative teaching approaches and twenty-first-century skills development in primary education. *Teaching and Teacher Education*, 122, 103985.
29. Wiliam, D. (2018). *Embedded Formative Assessment* (2nd ed.). Solution Tree Press.
30. Zhang, L., & Ma, Y. (2023). A study of the impact of project-based learning on student learning effects: A meta-analysis study. *Frontiers in Psychology*, 14, 1202728.
31. Zimmerman, B. J., Schunk, D. H., & DiBenedetto, M. K. (2022). Self-regulated learning and performance: An introduction and future directions. *Educational Psychologist*, 57(1), 1–16.